



بررسی تاثیر تک فرزندی دانش آموزان و تهدیدها و چالش های آن در محیط آموزشی

نسرین محمدی^۱

۱- کارشناسی زبان، آموزگار ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان چوار، استان ایلام

Nasrinmohamadi۹۰۰@gmail.com

چکیده

شرایط زندگی امروز به گونه‌ای است که اکثر دانش آموزان تک فرزند آمادگی لازم را برای برقرار کردن ارتباط با محیط خارج از منزل به دست نمی‌آورند و این بچه‌ها با اکثر محیط‌های اجتماعی بیگانه هستند. آنان در برقراری ارتباط با دیگران بسیار ضعیف عمل می‌کنند و پر استرس هستند. این مسئله می‌تواند مشکلاتی مانند نگرانی در کودک، امتناع از رفتن به مدرسه یا فرار از مدرسه و نیز مجبور کردن والدین برای ماندن در کنار وی در محیط مدرسه را به دنبال داشته باشد. بر این اساس هدف از این مقاله بررسی تاثیر تک فرزندی دانش آموزان و تهدیدها و چالش های آن در محیط آموزشی است. این مقاله از نوع توصیفی-تحلیل است و اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای و روزنامه‌ای گردآوری شده است. نتایج نشان داد که معلمان باید تلاش کنند بدون آنکه به شأن و عزت نفس دانش آموزان لطمه‌ای وارد شود با استفاده مدام از جمله‌ها و عبارتهای مثبت، تشویق و پاداش، برجسته نکردن اشتباهات و آموزش مهارتهایی که راه را برای موفقیت باز می‌کند آن‌ها را هدایت کنند.

واژگان کلیدی: تک فرزندی، محیط آموزشی، دانش آموزان

مقدمه

با توجه به اینکه در جوامع پیشرفته و در حال توسعه امروزی داشتن فرزند زیاد چندان مطلوب نیست و تامین لوازم آسایش زندگی برای تعداد کمتری از فرزندان مقدور است، لذا والدین به داشتن یک تا سه فرزند اکتفا می‌کنند. این تعداد کم فرزندان، فرزند سالاری را به دنبال خواهد داشت و در بعضی موارد نیز اختلالات رفتاری بچه‌ها در محیط خانه به علت حمایت‌های زیاد، تامین شدن بی اندازه، تجربه نکردن شکست، لوس و بی مسئولیت بار می‌آیند و در آینده ای نه چندان دور در محیط اجتماع مشکل ساز خواهند بود، هم برای خود هم برای اطرافیان. بخصوص هنگامی که در خانواده مسئله تک فرزندی وجود داشته باشد این امر محسوس تر است. والدین به خاطر علاقه زیاد به تنها فرزند زندگی خود در برخی موارد مشکلاتی را بوجود می‌آورند، حمایت‌های بی مورد، نچشیدن طمع تلخ شکست هر چند کودک، تشویق و تقویت شدن به کارهای نادرستی که انجام می‌دهد و ندیدن اخم والدین و.... آنها را به افرادی از خود راضی و نوعی مشکل افزین برای سایرین تبدیل می‌کند (ذبیحی، ۱۴۰۰).

پیشینه

ذبیحی (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی شخصیت شناسی تک و چند فرزندی و شیوه‌های تربیت فرزندان پرداخت. هدف اصلی این مقاله شخصیت شناسی چندمین فرزند بودن و شیوه‌های تربیت فرزندان می‌باشد. تک فرزندی مزایا و معایبی برای والدین کودک دارد. از جمله مزایای آن هزینه کمتر برای خانواده، کنترل راحت تر تک فرزند، صمیمیت عمیق والدین با تک فرزند، آرامش خانه (فرزند دیگری نیست تا با ناسازگاری آنان آرامش خانه از بین برود)، احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتر با تک فرزند به جهت رسیدگی

دوین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



بیشتر به او می‌باشد. و از جمله معایب آن می‌توان از موارد زیر نام برد: وابستگی شدید والدین به تک فرزند (این وابستگی سبب اضطراب تک فرزند می‌شود. جهت نبودن رقابت بازی یا درگیری با برادر یا خواهر، تسلیم‌پذیری والدین و عدم مخالفت با تک فرزند (که سبب شکنندگی و آسیب‌پذیری در آینده و منجر به ناتوانی او در تحمل ناامیدی‌ها و فشارهای روحی می‌شود)، برخورد بزرگانه با کودک (این کار سبب می‌شود جلوی بچگی کردن او گرفته شود)، ارتباط کمتر با همسالان (به جهت نبودن برادر و خواهر در منزل از ایجاد ارتباط با همسالان خجالت می‌کشد).

خلیلیان (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی داخلی در تک‌فرزندی: مرور سیستماتیک پرداخت. پژوهش حاضر با هدف بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی داخلی در موضوع تک‌فرزندی در ده سال اخیر (۱۳۸۴-۱۳۹۴) به روش مروری از نوع سیستماتیک انجام گرفت تا از خلال آن نقدها و خلأهای پژوهشی موضوع نمایان شود. به منظور استخراج مدارک پژوهشی (مقالات علمی پژوهشی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی و مقالات ارائه شده در همایش‌ها)، بانک‌های اطلاعاتی SID، ایران داک و سیویلیکا با کلید واژه‌های «تک‌فرزند»، «چندفرزند»، «تک‌فرزندی»، «خواهر برادر» بازیابی شد. در پی سه مرحله شناسایی، غربالگری و انتخاب، با در نظر گرفتن ملاک‌های درون‌گنجی و برون‌گنجی توسط دو ارزیاب، در نهایت ۹ پژوهش صلاحیت لازم برای بررسی مروری را کسب نمود. یافته‌های پژوهش از برتری کودکان دارای خواهر/ برادر در نظریه ذهن و برخی از ویژگی‌های مثبت شخصیتی حکایت می‌کند. همچنین مشکلاتی در فرضیه‌سازی، ناهمگنی نمونه، کاهش حجم نمونه و عدم کنترل کافی متغیرهای مزاحم از یافته‌های این مقاله است. در مجموع خلأهایی چون عدم فرضیه‌سازی منطقی، نبود مدل‌های بومی، فقدان مطالعه طولی و غفلت از گستره مطالعه در پژوهش‌های داخلی از نتایج این بررسی است.

آلیاسین و همکاران (۱۳۹۵) به مقایسه مثبت‌نگری، امید به زندگی و رضایت از زندگی بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزندی و چند فرزند پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان مثبت‌اندیشی، رضایت از زندگی و امید به زندگی در دانش‌آموزان دختر در خانواده‌های چند فرزند بیش از خانواده‌های تک فرزند است بنابر این بطور کلی با توجه به نتایج آماری بدست آمده از تحقیق می‌توان ابراز نمود که تنها بودن فرزندان در خانواده‌های تک فرزند امر مطلوبی نبوده چرا که در چنین خانواده‌هایی فرزندان از میزان مثبت‌اندیشی، رضایت از زندگی و امید به زندگی کمتری برخوردارند.

مبانی نظری

سندروم تک‌فرزندی

اصطلاح "سندروم تک‌فرزندی" که برای توصیف یک کودک لوس، عجیب و تنها به کار می‌رفت تا حد زیادی به عنوان یک افسانه از بین رفته است. کلر هیوز، استاد روانشناسی رشد و معاون مدیر مرکز تحقیقات خانواده در دانشگاه کمبریج می‌گوید: "در مورد کشور چین کنجکاوی زیادی وجود داشته که تأثیرات رشد کل یک ملت "با خانواده‌های تک‌فرزند" چگونه خواهد بود. با این همه تمرکز خانواده و والدین بر روی یک کودک پتانسیل خود محوری در این کودکان بسیار بالا است، اما در واقع زمانی که مردم نگاه کردند این گونه نبود.

بخش عمده‌ای از بی‌اعتبار شدن باورهای غلط در مورد تک‌فرزندی توسط پروفیسور تونی فالبو، استاد روانشناسی آموزشی دانشگاه تگزاس انجام شده است که از دهه ۱۹۷۰ فقط در مورد کودکان تحقیق کرده است. در یک متا آنالیز تحقیقات، با دنیس پولیت این

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



زوج دریافتند که "در تمام نتایج رشد و نمو، تک فرزندها از نوزادان اول یا فرزندان خانواده‌های کوچک قابل تشخیص نیستند" و بهتر از فرزندان خانواده‌های بزرگ بودند.

در مورد خجول و غیراجتماعی بودن، یک مطالعه از سال ۲۰۱۱ نشان داد که اگرچه بزرگسالانی که تک فرزند بوده‌اند با فعالیت‌های اجتماعی کمتری با بستگان درگیر بوده‌اند (که می‌تواند با داشتن بستگان کمتر قابل توضیح باشد)، هیچ تفاوتی در فعالیت‌های اجتماعی آنها، مانند دوستان و همکاران یافت نشد. در یک نظرسنجی از بیش از ۲۵۰۰ نوجوان اسپانیایی آنها دریافتند که کودکان تنها، میزان بالای قربانی همسالان بودن را تجربه کرده‌اند. اما هیوز خاطرنشان می‌کند که این ممکن است تحت تأثیر احساس قربانی شدن آنها باشد: تا حدودی خواهران و برادران به شما یاد می‌دهند که با آرامش مسائل را حل کنید. یک مطالعه در سال گذشته توسط دانشگاه جنوب غربی در چین بر روی بیش از ۲۵۰ دانشجوی دانشگاه نشان داد که تک فرزندها در تفکر انعطاف پذیرتر هستند و بنابراین خلاق‌تر، اگرچه "سازگاری کمتری" نشان می‌دادند (آل یاسین و همکاران، ۱۳۹۷).

آسیب‌های تک فرزندی با رویکرد روانشناسی و علوم تربیتی:

۱- رواج فرزندسالاری: در خانواده‌های تک فرزند بیش از حد به خواسته‌ها و مطالبات فرزند توجه شده و اغلب افراط و زیاده روی والدین در برآوردن خواسته‌های تنها فرزندشان مشاهده می‌شود. توجه افراطی و لوس کردن: والدینی که قصد داشتن فقط یک فرزند را دارند، از اول می‌دانند که این تنها بچه آنها خواهد بود، پس چرا برایش همه کار نکنند؟ از سوی دیگر اگر والدین بعداً متوجه شوند که فرزندشان تنها بچه آنها خواهد بود، خیلی احساس ناتوانی و بی‌کفایتی می‌کنند، بنابراین همه کاری بریا تسکین خودشان انجام می‌دهند، به خصوص اگر فرزندشان با ناز درخواست کند. در خانواده‌های چند فرزندی بچه‌های دوم و سوم خیلی وقت‌ها با اسباب بازی‌های خواهر و برادر خود بازی می‌کنند و لباس‌های خواهر و برادر بزرگتر را می‌پوشند. منظور این نیست که بچه‌های خانواده‌های پرجمعیت نیاز به توجه ندارند، آنها می‌آموزند که کم‌تر درخواست و تقاضا بکنند. توجه افراطی که والدین تک فرزند به سختی می‌توانند از آن اجتناب کنند، بر دو نوع است، مادی و عاطفی که گاهی اوقات با یکدیگر هم پوشانی دارند. اغلب والدینی که پول زیادی صرف خرید اسباب بازی می‌کنند در اصل سعی دارند که در وهله اول به خودشان و بعد تنها فرزندشان به خاطر نداشتن برادر یا خواهر احساس خوبی بدهند. فکر می‌کنند "چرا نخرند؟ ما که فقط یک بچه داریم". این شعاری است که می‌تواند برای مغز والدین سم باشد. چرا به پسر کم کمک نکنم بند کفشش را ببندد؟ و... حفاظت بیش از حد و بیش تیماری: ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که اخبار ترسناک زیادی را می‌شنویم. این ترس توسط برنامه‌های خبری، وقایع ترسناکی که در شهر و محله از این و آن می‌شنویم، صحبت‌هایی که با دوستان و همسایه‌ها داریم و ... بیست و چهار ساعته وارد خانه‌های ما می‌شود، حملات تروریستی، جنگ‌ها، رکود اقتصادی، دزدی و ... به فرزندان مان دائماً اخطار می‌دهیم که با غریبه‌ها حرف نزنند، تمام وقت و از همه طرف مواظب آنها هستیم. گرچه منطقی است که جانب احتیاط را بگیریم تا این که بعداً تاسف نخوریم، اما هر قدر هم که بخواهیم نمی‌توانیم امنیت صد در صدی تک فرزند خود را تامین کنیم. حتی اگر این کار را بتوانیم انجام دهیم تا کی خواهیم توانست که آن را ادامه دهیم؟ والدین بچه‌های تک فرزند با مشکل حفاظت بیش از حد از فرزند مواجه هستند. آنها تصور می‌کنند که دخالت در تمامی جنبه‌های زندگی تک فرزند خود امری طبیعی و بخشی از رابطه آنهاست. بنابراین میل به بیش تیماری بچه در این خانواده‌ها بالاست. این درحالیست که به جای اینکه بیش تیمار باشیم باید به بچه خود تکنین‌هایی را آموزش دهیم که بتواند مسایل و مشکلاتش را به شیوه‌ای منطقی تشخیص و تفکیک کند.

۲- بلوغ زودرس:

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



اگر فرزند تک باشد به ناچار باید در کنار بزرگسالان پرورش یابد. در نتیجه او تجربه ای از کودکی و نوجوانی خود نداشته و یک دفعه پرشی به دوران مسئولیت پذیری بزرگسالان خواهد داشت. به همین دلیل از لحاظ روحی و روانی بسیار سریع رشد کرده و دنیا را از دید بزرگسالان می بیند. حضور در چنین خانواده ای که فقط شامل بزرگسالان است سبب بلوغ زودرس کودک می شود. این کودکان از نظر جسمی نشانه های بلوغ را دارند ولی تجربه کافی ندارند. در این شرایط در هر دو جنس ممکن است رفتارهای ناهنجار بروز نماید.

برخورد با بچه همانند یک فرد بالغ: والدین تک فرزند ممکن است خانواده خود را به صورت سه تفنگدار ببینند: آنها با هم غذا می خورند، با هم به سفر می روند، با هم در اجتماع هستند و با هم به مهمانی و مجالس می روند. در این خانواده ها حتی ممکن است به بچه صدای قوی در تصمیمات خانوادگی داده شود، کودکی که چنین قدرتی به او داده شده ممکن است تصور کند که بخشی از زندگی زناشویی والدین خود می باشد و برای رفع تضاد بین والدین می تواند اظهار نظر کند. یادمان باشد کودکی نکردن در زمان مخصوص به خودش با هیچ چیزی قابل جبران نخواهد بود.

۳- کم شدن روابط اجتماعی:

فضای زندگی خانوادگی توأم با فرصت های کافی برای روابط متقابل و متنوع بوده، برای فرزندان الگوهای رفتاری و زمینه های تبادل تجارب و تمایلات و عواطف را به وجود می آورد و از عوامل موثر در بهبود مهارت در روابط اجتماعی است. زندگی در کنار خواهر و برادر روحیه جامعه گرایانه کودک را تقویت می کند. گرایش به انزوا، ضعف در برقرار ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی های رایانه ای و انفرادی و ترس از حضور در گروه های اجتماعی در تک فرزند ها بیشتر دیده می شود.

۴- کاهش انسجام خانواده:

یکی از مولفه های خانواده منسجم، پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان به والدین و بالعکس است. در خانواده های تک فرزند میزان وابستگی در افراط یا تفریط است، به این معنا که گاهی فرزند به دلیل اشتغال والدین مورد بی مهری و بی توجهی قرار می گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش از حد والدین است. احساس تنهایی و فرهنگ استقلال طلبی در تک فرزند ها بیشتر دیده می شود. در کلان شهرها که اصولا خانواده ها جدا شده از شبکه های خویشاوندی هستند شاهد آمار کودک آزاری هستیم.

۵- جایگزینی رسانه:

کم شدن ارتباطات کلامی در خانواده های کم جمعیت سبب حاکمیت رسانه های تصویری می گردد. کودک یا نوجوانی که از تنهایی رنج می برد به دنبال جایگزینی برای اوقات فراغت خود است در نتیجه به بازی های رایانه ای و دنیای مجازی رو می آورد. این امر تغییر الگوی ارتباطی در خانواده را به همراه دارد.

مطالعات نشان می دهد تک فرزندی نتیجه هر عامل یا عواملی که باشد، تغییر بنیادینی نه فقط در ساختار جمعیت شناختی و روند اجتماعی شدن خانواده بلکه در جنبه های مختلف عملکردی و همه ابعاد شخصیت فرد در آینده ایجاد می کند.

- توافق پذیری در چند فرزندان بیشتر از تک فرزندان و بعد روان رنجوری در تک فرزندان بیشتر از چند فرزندان است. چند فرزندان افکار، ارزش ها و موقعیت های جدید را راحت تر می پذیرند در نتیجه با تغییر آسان تر کنار می آیند و مشکلات احتمالی را بهتر حل می کنند.

دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



- تاب‌آوری در نوجوانان خانواده‌های چندفرزند بیشتر از تک‌فرزندان است. تاب‌آوری از طریق سطوح عواطف مثبت باعث تقویت عزت نفس و مقابله موفق با تجربه‌های منفی می‌شود. هر چه فرد قدرت بیشتری در تاب‌آوری، مقابله با مشکلات و فشارهای روانی زندگی را داشته باشد، کمتر در معرض آشفتگی‌های هیجانی و روانی قرار می‌گیرد و از سلامت و بهزیستی روانی بهتری بهره‌مند می‌شود. حال با توجه به اینکه والدین تک‌فرزندان در بیشتر مواقع اجازه نمی‌دهند که فرزندانشان با احساسات سخت و ناراحت‌کننده روبه‌رو شوند و یا امکان آشکار شدن این نوع احساسات را برای او فراهم نمی‌کنند، تحمل وی را در برابر این نوع احساسات و همچنین رویارویی با مشکلات ضعیف خواهند کرد که این خود باعث کاهش تاب‌آوری در این افراد می‌شود.

در واقع توجه افراطی والدین به این کودکان موجب تقویت غرور کاذب در فرزند می‌شود و توقعات او را در سطحی بالا می‌برد که تحمل شکست و ناکامی‌ها را برای وی در جامعه دشوار می‌کند. تحقیقات متعددی بر حمایت بیش از حد والدین خانواده‌های تک‌فرزند صحت گذاشته و معتقد است فرزند را با روحیه حساس و ضعیف تربیت می‌کنند که باعث می‌شود در تنظیم هیجانات و کنترل خود نسبت به چند فرزند ضعیف‌تر عمل کنند. هر چه حمایت آنها از تنها فرزندشان بیشتر شود، قدرت تحمل و ابهام وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد و از این رو بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شوند.

- به استناد برخی مطالعات هوش هیجانی در بین نوجوانان خانواده‌های چند فرزند از تک‌فرزندان بالاتر است. در واقع چندفرزندان کاربرد صحیح هیجان‌ها را بهتر می‌آموزند که این قدرت تنظیم احساسات موجب افزایش ظرفیت شخصی برای تسکین دادن خود، درک کردن اضطراب‌ها، افسردگی‌ها یا بی‌حوصلگی‌های متداول می‌شود. تک‌فرزندانی که به لحاظ خودکنترلی ضعیف‌اند، دائماً با احساس ناامیدی، افسردگی، بی‌علاقگی به فعالیت دست به گریبان‌اند، در حالی که افراد با خودتنظیمی بالا با سرعت بیشتر می‌توانند ناملاپمات را پشت سر گذاشته و میزان مشخصی از احساسات را با تفکر همراه نمایند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد فرزندانی خانواده‌های چندفرزند از پذیرش اجتماعی و هوش هیجانی بیشتری نسبت به فرزندانی خانواده‌های تک‌فرزند برخوردارند.

- با توجه به اینکه هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که انسان به صورت ذاتی اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شود بلکه یاد می‌گیرد که چگونه خوب باشد، محیط خانواده در یادگیری و افزایش هوش اخلاقی در کودک حائز اهمیت است. مطالعات نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری نیز که یکی از ابعاد هوش اخلاقی است، در چندفرزندان بیشتر از تک‌فرزندان است؛ والدین چندفرزند بیشتر از تک‌فرزندان مسئولیت امور هر چند کوچک و جزئی را به فرزندانشان واگذار می‌کنند. مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب فعالیت‌هایی است که بر عهده او گذاشته شده است. روانشناسان معتقدند مسئولیت‌پذیری امری وجودی است که از طریق تعلیم و تربیت شکوفا می‌گردد. از این رو هر چه انسان آگاه‌تر باشد بیشتر احساس مسئولیت خواهد کرد.

- برخی مطالعات نشان می‌دهد امید به زندگی در نوجوانان خانواده‌های چندفرزند بیشتر از تک‌فرزندان است؛ چندفرزندان امیدواری خوبی دارند، هنگام رویارویی با موانع و رویدادهای تنش‌زا، آنها را به عنوان چالش در نظر می‌گیرند و نه تهدید؛ بنابراین می‌توانند با موانع و احساسات منفی بهتر مقابله کنند. امیدواری، می‌تواند در فرد یا گروه انرژی ایجاد کند و به همین دلیل نوجوانانی که امیدوار هستند، بهتر از دیگر نوجوانان قادر به مراقبت از خویشان هستند.

دومین کنفرانس ملی مطالعات خانوادگی و مدرسه



- تک‌فرزندان معمولاً با صفاتی چون خودخواهی و خودپسندی توصیف می‌شوند. تک‌فرزندان توجه بیش از حد و تحسین مفرط از والدین و پدربزرگ و مادربزرگ دریافت می‌کنند که باعث می‌شود نقاط ضعفی در شخصیت خود پرورش دهند از جمله خودخواهی و بی‌کفایتی اجتماعی. حمایت بیش از حد والدین و نادیده گرفتن بیش از حد رفتارهای منفی کودک توسط والدین در تک‌فرزندان بیشتر است که این امر به فرزندسالاری در خانواده دامن می‌زند.

خانواده‌های تک‌فرزند آرزوهای زیادی برای کودک خود دارند و این خواسته معمولاً آنها را از رشد طبیعی کودک در آینده پیش‌رو منحرف می‌کند و از آنجایی که آنها فقط یک فرزند دارند فکر می‌کنند که چنانچه تلاش‌های آنان خوب از آب در نیاید شکست خواهند خورد و دیگر شانس ندارند. پدر و مادرهایی که سعی کرده‌اند کودک خود را از همه چیز محافظت کنند و اضطراب او را کاهش دهند، در واقع موجب تشدید استرس فرزند خود شده‌اند اما خانواده‌هایی که بلافاصله برای کمک به کودک خود نمی‌شتابند، فرزندان دارند که یاد گرفته‌اند وحشت خود را کنترل کنند، خانواده‌هایی که چند فرزند دارند بچه‌ها باید از صبر و حوصله زیاد برخوردار باشند زیرا مجبورند صبر کنند تا نوبت آنها برسد تا در کانون توجه والدین قرار گیرند. در این خانواده‌ها فرصت، حرف اول را می‌زند و باید زمان تقسیم بندی شود چرا که محدود است و حق تقدم فردی به فرد دیگر باید رعایت شود چرا که ممکن است نیاز آنها اولویت و تقدم داشته باشد، ولی در خانواده‌های تک‌فرزند همه می‌دانند که او در اولویت است و بر همه چیز تقدم دارد از طرفی، تک‌فرزند در خانه‌ای زندگی می‌کند که فضای کودکی وجود ندارد، چون همیشه تعداد بزرگسالان بیشتر از کودکان است و کودک هیچ‌وقت نمی‌تواند تجربه دوست‌داشتنی و خاطرات به یادماندنی از ارتباط با همسالان همواره در دسترس یعنی خواهر و برادر داشته باشد و به همین شکل در بزرگسالی نیز پیوندهای سودمند، کمک‌رسان و همدلانه خواهر و برادری را نخواهد داشت.

علاوه بر اینکه والدین همواره نگران تک‌فرزند خود هستند، کودک نیز در سن بزرگسالی همواره نگران والدین خود است زیرا بجز خودش فرد دیگری نیست که از والدینش مراقبت کند و این یک بحران جدی برای خانواده‌های تک‌فرزند در سال‌های آینده است. مطالعات نشان می‌دهد عدم تعدد فرزند عاملی برای تنهایی سریع والدین، کاهش کارآمدی و ناپختگی شخصیت آنها قلمداد می‌شود. تک‌فرزندان نه تنها خودشان در تنهایی و بدون داشتن خواهر و برادر زندگی می‌کنند بلکه فرزندانشان نیز در خلاء ناخواسته‌ی محروم بودن از بستگان درجه یک (خاله، عمه، عمو، دایی) زندگی خواهند کرد.

علاقه و روابط عاطفی که بین فرزندان در خانواده‌های چندفرزند به وجود می‌آید بر فرایند صمیمیت خانواده تأثیرگذار است. وجود روابط صمیمانه بین اعضای خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. چنین روابطی بر بهزیستی فیزیکی، روان‌شناختی و توانایی افراد در جهت عملکرد موثر در زمینه‌های مختلف فردی، خانوادگی و شغلی موثر است. از آنجایی که خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است، لذا در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی نوجوان نقش بسیار مهمی دارد. صمیمیت و جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی آنها بسیار تأثیرگذار است. در خانواده‌هایی که رفتارهای محبت‌آمیز بیشتر است معمولاً نوجوانان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند. رفتارهای محبت‌آمیز و صمیمیت در خانواده‌هایی که چند فرزند دارند به دلیل وجود روابط خواهر و برادری بیشتر است به این دلیل که علاوه بر وجود رابطه بین والد و فرزند، روابط عاطفی میان خود فرزندان نیز شکل می‌گیرد و این موضوع به رشد و بالندگی خانواده کمک می‌کند، در خانواده‌های رشدیافته، افراد آزادانه باهم درد دل می‌کنند و برای امور خانواده برنامه‌ریزی می‌نمایند و اگر چیزی مزاحم اجرای برنامه‌ها گردید با انعطاف‌پذیری، خود را با آن تطبیق می‌دهند و در چنین خانواده‌ای است که زندگی آدمی و احساسات بشری از هر چیز

دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



دیگری مهم‌تر است. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان خانواده‌های چندفرزند است.

ابراز عواطف مثبت و خوشایند والدین با فرزندان و خواهر و برادرها با یکدیگر، در خانواده‌های چندفرزند، دوستی و علاقه میان آنها را پدید می‌آورد و آن را افزایش می‌دهد و این موضوع بر استحکام، انسجام و شدت روابط اعضا با یکدیگر می‌افزاید. خانواده‌هایی که از انسجام خوبی برخوردارند می‌توانند با عوامل تنش‌زا یا بحران به خوبی سازش‌یافته یا آن را پشت سر گذارند. از طرف دیگر در خانواده‌های تک‌فرزند عموماً تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و مدیریت خانواده به عهده تک‌فرزند می‌افتد و فرزندسالاری و حکمرانی فرزند در خانواده موجب کاهش انسجام خانواده می‌گردد. در متون دینی نیز از فرزند با تعبیری همچون میوه دل و نور دیده، مایه خوشبختی و کسی که انسان را یاری می‌کند، و نیز مایه رحمت و غفران الهی یاد شده است. از طرف دیگر افسردگی والدین پس از بزرگ شدن و ازدواج فرزندان در خصوص خانواده‌های تک‌فرزند به شدت بیشتر احساس می‌شود. خصوصاً خانواده‌هایی که در سال‌های اول ازدواج تنها فرزند خود را به دنیا آورده باشند به ناگاه در سن حدود چهل سالگی دوباره تنها می‌شوند. تعداد فرزندان بیشتر در نسل‌های قبل، می‌توانست مانعی برای افسردگی والدین باشد. بچه‌ها پشت سر هم به دنیا می‌آمدند و دیگر مجالی برای نپروری فرزندان وجود نداشت. اگر بچه‌ها را نمی‌خورد، بچه دیگری فوراً غذايش را می‌خورد. هیچ کس تنها کانون توجه خانواده نبود اما تک‌فرزندهای امروزی، آنقدر توجه بی‌دریغ والدین را می‌بینند که با وارد شدن به جامعه و دیدن کوچکترین بی‌توجهی، سرخورده می‌شوند.

همچنین فرض وارد آمدن آسیب به تک‌فرزند مثل معلولیت یا مرگ وی می‌تواند بنیان خانواده را نابود کند و چنانچه در مواردی مشاهده شده است که موجب عدم امکان ادامه حیات اجتماعی برای پدر و مادر می‌شود. در بسیاری موارد امکان فرزند آوری نیز برای پدر و مادر فراهم نیست و سرنوشت نامعلومی را برای آنها رقم می‌زند. به طور کلی با توجه به اینکه خانواده در حکم یک نظام و سیستم است، در خانواده تک‌فرزند، این سیستم به شکل یک مثلث در خواهد آمد و ارتباطها بسیار محدود است و فرزند فقط با پدر و مادر بزرگسال خود تعامل دارد و بسیاری از روابط اجتماعی شکل نخواهد گرفت. حال زمانی که تعداد فرزندان افزایش می‌یابد این نظام ارتباطی به صورت توانی افزایش می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند. تعامل فرزند با پدر و مادر و خواهر و برادر و ارتباط چهره به چهره، روش‌های حل مسئله، تعامل، همدلی، صمیمیت، گذشت و تفکر خلاق شکل خواهد گرفت و خانواده شباهت بیشتری به جامعه واقعی پیدا خواهد کرد و کودک می‌تواند در این حالت نمونه‌ای از تعاملات و ارتباطات موجود در اجتماع واقعی را ببیند و نحوه صحیح برخورد با مسائل و موضوعاتی که در آینده در جامعه با آنها مواجه خواهد شد را بیاموزد و تمرین کند.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بی‌همبازی و بی‌هم‌صحبت ماندن چنین دانش‌آموزانی آنان را به خلأ عاطفی دچار می‌کند. مدرسه محیط مناسبی برای این کودکان است، چون دقیقاً در مکانی هستند که بیش از صد کودک هم‌سن و سال در کنارشان وجود دارد. معلم باید به طور غیرمستقیم به چنین کودکانی در دوست‌یابی کمک کرده و پیوندشان را با دوستان شایسته تقویت کند؛ یا در مشارکت کارهای کلاسی از قبیل تمیز کردن تخته از آنها کمک بخواهد تا از خجالتی بودن دست بردارند. معلم باید چنین دانش‌آموزانی را در کارهای گروهی کلاس عضو کند تا کارهایشان را به صورت گروهی انجام دهند. دادن اعتماد به نفس به چنین کودکانی بسیار کمک می‌کند



همچنین نتایج نشان داد که معلمان باید تلاش کنند بدون آنکه به شأن و عزت نفس دانش آموزان لطمه‌ای وارد شود با استفاده مدام از جمله‌ها و عبارتهای مثبت، تشویق و پاداش، برجسته نکردن اشتباهات و آموزش مهارت‌هایی که راه را برای موفقیت باز می‌کند آن‌ها را هدایت کنند.

منابع و مراجع

- آل یاسین، سیدعلی؛ فریدونی، سمیه. (۱۳۹۵). مقایسه مثبت نگری، امید به زندگی و رضایت از زندگی بین دانش آموزان دختر تک فرزندی و چند فرزندی، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره) زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۱۱، ۴۵ - ۵۶
- خلیلیان شلمزاری، محمود. (۱۳۹۷). بررسی پژوهش‌های روان‌شناختی داخلی در تک‌فرزندی: مرور سیستماتیک، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده بهار ۱۳۹۷ - شماره ۲۵ رتبه ب، ۹۹ - ۱۲۶
- ذبیحی، ترمه. (۱۴۰۰). شخصیت شناسی تک و چند فرزندی و شیوه‌های تربیت فرزندان، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۳۷، ۷۱ - ۸۶
- عالمی، نرجس و فلاح، وحید، ۱۴۰۰، بررسی رابطه تک فرزندی و غیر تک فرزندی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان، <https://civilica.com/doc/1308404>